



رویکرد اهل تسنن به آموزش گناهان، ناظر بر روایات «إِسْتَأْنِفِ الْعَمَلُ»

احسان پوراسماعیل^۱، مرتضی میرزائی^۲

۱- استادیار مؤسسه آموزش عالی آرمان رضوی، مشهد dr.ehsanpouresmaeil@gmail.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، مشهد (نویسنده مسئول)
morteza.mirzaei6668@gmail.com

چکیده

در منابع اهل تسنن، روایاتی موجود است که نشان از اعتقاد اینان به مسئله‌ی آموزش گناهان و فرصت طلایی «استئناف» و "از سرگیری اعمال" است و پیامد آن، عزیمت و اراده‌ی انسان به سوی تجدید حیات و احیای زندگی است.

هدف این پژوهش، بررسی مسئله‌ی آموزش گناهان، و گونه‌شناسی روایات آن با محوریت تعبیر «إِسْتَأْنِفِ الْعَمَلُ» در منابع اهل تسنن است که به روش توصیفی-تحلیلی با رویکرد روایی است و گردآوری اطلاعات در آن به شیوه‌ی کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری می‌باشد. این گونه‌شناسی بر اساس نقل روایاتی است که صریحاً عبارت «إِسْتَأْنِفِ الْعَمَلُ» در آن‌ها به کار رفته است و یا با ذکر الفاظ مشابهی نظیر (غَفَرَ اللَّهُ، يَمْحُو اللَّهُ، كَمَا وَلَدَتْهُ أُمُّهُ و...) در راستای بیان مغفرت و آموزش الهی است. اکثر روایات "از سرگیری اعمال" در ۲ حوزه‌ی عبادات و اخلاقیات تبیین شده است: (زیارت خانه‌ی کعبه- نماز- روزه‌ی ماه رجب- ایمان به اسلام- صبر بر بیماری- عیادت مریض- قرض به نیازمندان و...) از جمله‌ی این مصادیق است. نیز، تعداد معدودی از روایات در حوزه‌ی محبت و مودت به رسالت و خاندان پیامبر ﷺ یافت شد.

نهایتاً روشن شد که رویکرد اهل تسنن به مسئله‌ی آموزش گناهان و "از سرگیری عمل"، علی‌رغم ضعف سندی و محتوایی بخشی از این احادیث، از سوی محدثین این مکتب فقهی، امری قابل قبول و مورد پذیرش می‌باشد و این مسئله به استناد تعدد مصادیق بیان شده، قابل انکار نبوده و در نقطه‌ی مقابل، شیعه را به جهت نقل روایاتی این چنین، از اتهام به‌إباحه‌گری و شرک، تنزیه و مبرا می‌کند.

ضمناً بررسی‌ها حاکی از موضع سرسخت‌گیرانه و متعصبانه‌ی برخی از علمای حدیث اهل تسنن در حوزه‌ی محبت و مودت به خاندان پیامبر ﷺ است؛ بنابراین، این مسئله، به عنوان نقطه‌ی اساسی آموزش و غفران الهی در کنار دو حوزه‌ی دیگر، مورد غفلت واقع شده است.

کلمات کلیدی: حدیث اهل تسنن، «إِسْتَأْنِفِ الْعَمَلُ»، مغفرت، عبادت، اخلاق

۱. مقدمه

مسئله‌ی "استئناف" و "از سرگیری عمل" یک موهبت، نعمت و امتیاز الهی در راستای مغفرت و آموزش اوست، که لازمه‌ی برخورداری از آن، گام نهادن در مسیر عبودیت خداوند است و اقتضای ربوبیت پروردگار، این مهم را برای انسان ممکن ساخته است.

مغفرت و آموزش الهی، پاداش و اجر خداوند عادل است به کسانی که از زندگانی ناپایدار دنیا می‌گذرند و به انجام تکالیف والا و برتر برمی‌خیزند و در برابر خواست‌های نفسانی می‌ایستند، آن‌گاه، دل‌های مؤمنین، احساس رضایت الهی را می‌چشد و این چشیدن، حلاوت وفای به



هشتمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم انسانی، مدیریت و کارآفرینی ایران

عهد و میثاق آنان با خداوند است و خداوند، بهتر می‌داند که به طور فطری و طب، آنان به این وعده‌ی مغفرت و اجر عظیم، نیاز ویژه‌ای دارند. [۱]

منشأ این مغفرت، برخاسته از رحمت بی‌منت‌های الهی است: ﴿وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ﴾ (اعراف: ۱۵۶) یعنی: (و رحمت من همه چیز را فراگرفته) حال چگونه ممکن است که در برابر این دریای بی‌کران الهی، بنده‌ی مذنب و گناه کار، ضایع و تباه گردد؟! [۲]

و نیز بر مبنای عدل و فضل خداوند است: آنجا که فرموده: ﴿فَيَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ﴾ (بقره: ۲۸۴) یعنی: (خداوند هر که را بخواهد می‌بخشد و هر که را بخواهد از کسانی که که سزاوار کیفرند، بر اساس عدالت خود عذاب می‌کند). این مغفرت الهی در واقع به معنای «استغنا» است، یعنی از نو آغاز کردن اعمال بنده است که خداوند او را به فضل خویش می‌بخشد. [۳]

ثمره‌ی این مغفرت ناشی از رحمت بی‌کران الهی، گشودن روزنه‌ی امید برای انسان است؛ امید به عفو پروردگار و امید به تغییر وضع موجود، نقطه عطفی در زندگی او خواهد شد و او را به توقف کردن در مسیر گناه و بازگشت به سوی پاکی و اصلاح دعوت می‌کند. [۴]

پرداختن به «مسئله‌ی آموزش گناهان» از ابعاد مختلف قابل تأمل است:

- ۱- جمع مستقل این روایات و گونه‌شناسی آن با محوریت تعبیر «إِسْتِئْنَفِ الْعَمَلِ» در منابع اهل تسنن.
 - ۲- آثار و پیامدهای شگرف مغفرت الهی و به تبع آن، مسئله‌ی «إِسْتِئْنَفِ الْعَمَلِ» و «ازسرگیری عمل» در مسیر تحول و احیای زندگی انسان.
 - ۳- ایجاد زمینه‌های همکاری و تعامل بیشتر مذهب اهل تسنن با مکتب شیعه، در خصوص آموزه‌های متعدد دینی.
- تا جایی که نگارنده بررسی نموده، تاکنون با محوریت این موضوع و اصل واژه‌ی «إِسْتِئْنَفِ الْعَمَلِ» در منابع اهل تسنن، کتاب، پایان نامه و یا مقاله‌ای به صورت مستقل، یافت نشد، اما در پایان نامه‌ها و مقالات مختلف، مسئله‌ی عفو و مغفرت و بخشش گناهان و آثار آن که ارتباط مستقیمی با روایات «إِسْتِئْنَفِ الْعَمَلِ» دارد، مورد پژوهش قرار گرفته است. به عنوان نمونه:

- ۱- معیارها و آثار مغفرت در قرآن و روایات، کاظمی نیاسر، زهرا، دانشکده اصول الدین، ۱۳۹۳
- ۲- بررسی علل و عوامل تأثیرگذار بر آموزش الهی در قرآن و حدیث، آقایی، احسان، مؤسسه آموزش عالی باختر ایلام، دانشکده علوم انسانی، ۱۳۹۴

- ۳- بخشش از دیدگاه روان‌شناسی و قرآن کریم، ایمانی فر، حمید رضا؛ فاطمی، جمیله؛ امینی، فاطمه؛ دوفصلنامه علمی-پژوهشی انسان پژوهی دینی، مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی (رحمه الله علیه)، بهار و تابستان ۱۳۹۱، ش ۲۷

- ۴- مبانی عفو از نگاه عقل و نقل، جعفری هرنندی، محمد؛ طاهری آکردی، محمد حسین؛ قاسمی فیروزآبادی، مهدی، فصلنامه‌ی علمی پژوهشی کلام اسلامی، ۱۳۹۷

قابل ذکر است که در منابع روایی و حدیثی اهل تسنن، ابواب مختلفی تحت عنوان ثواب و یا فضیلت برخی از اعمال که منجر به بخشش و آموزش گناهان می‌شود، یافت می‌گردد.



هشتمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم انسانی، مدیریت و کارآفرینی ایران

۲. مفهوم شناسی

۲-۱ معنای لغوی

واژه‌ی اِسْتَأْنَفَ در اصل برگرفته شده از «أَنَفَ»، همان بینی و عضو مخصوص تنفس و بویایی حیوان و انسان است. [۵] در مثال آمده است: الْمُؤْمِنُونَ هَيُّونَ لَيُّونَ كَالْجَمَلِ الْأَنْفِ. یعنی: مؤمنان، با وقار و همراه با آرامشند، مانند شتر نری که مهار در بینی دارد. [۶]

این واژه در مورد انسان و غیر انسان به کار می‌رود و جمع آن أَنَفٌ و أَنُوفٌ و أَنَافٌ است و و أَنَفٌ كُلُّ شَيْءٍ، یعنی آغاز و ابتدای هر چیز. [۷]

«أَنَفُ الْجَبَلِ»: دماغه‌ی کوه؛ «أَنَفُ الْعَجَلِ»: گیاهی است زینتی؛ «رَغِمَ أَنْفُهُ»: خوار شد؛ «رَغِمَ أَنْفُهُ»: بر خلاف میل او؛ «حَمِيَ أَنْفُهُ» نیرومند و چیره شد؛ «شامخ الْأَنْفِ» خود بزرگ بین. الْأَنْف - مِنَ الرِّيَاضِ: گیاه تازه برآمده و چرا نشده؛ غَابَةُ أَنْفٍ: جنگلی دست نخورده؛ «كَأْسٌ أَنْفٌ»: جامی که با آن چیزی ننوشیده باشند. ضمناً مجازاً به معنای بزرگ منشی و عزت نفس است. [۸]

مترادفات این واژه، اِبْتِدَاءٌ، اِئْتِنَافٌ، بِدَايَةُ بیان شده است. [۹]

۲-۲ معنای اصطلاحی

استیناف، در علم حقوق، درخواست و اعاده‌ی دادرسی پس از صدور حکم از دادگاه بدوی است؛ [۱۰] این تجدیدنظرخواهی درواقع قضاوت امری است که بدواً مورد قضاوت قرار گرفته و به عبارت دیگر، نوعی ممیزی و بازبینی اعمال دادگاه بدوی است. البته اخیراً در قانون آیین دادرسی مدنی، واژه‌ی «پژوهش» معادل «استیناف» قرار گرفته است. [۱۱] در فقه و به اصطلاح فقها، اعاده‌ی فرائضی است که به علت و سببی باطل شده است. [۱۲] و بنابر همین معنی است که در کتب فقه گفته اند: «المصلي إذا سبقه الحدث يتوضأ ثم يثم ما بقي من الصلاة مع ركن وقع فيه الحدث أو يستأنف، و الاستئناف أفضل». و لغت اتمام در این حدیث به اصطلاح فقها، بناء نامیده می‌شود. [۱۳] همچنین در ادبیات و علم نحو، عبارت است از آغاز و شروع کردن کلام با جمله‌ای که یا در ابتدای کلام واقع شده و یا در لفظ جدا و مستقل از کلام سابق است به کمک ادات مخصوص. [۱۴]

ضمناً واژه‌های «صَفَحَ» به معنی: در گذشتن و نکوهش نکردن؛ [۱۵] «عَفُو» به معنای: گذشتن از گناه و محو و نابودی؛ [۱۶] «غَفَرَ» یعنی: پوشاندن و مستور کردن؛ [۱۷] «يَمَحُ» به معنی: مَحُو و از بین بردن اثر؛ [۱۸] «كُفِّرَ» به معنای پوشش و محو و از بین بردن؛ [۱۹] جملگی از الفاظ مرتبط با «اِسْتَأْنَفَ» و در راستای "از سرگیری عمل" می‌باشند که آموزش و مغفرت الهی را به دنبال دارد.

الف - روایات دسته‌ی اول:

روایاتی که صریحاً و لفظاً، عبارت «اِسْتَأْنَفِ الْعَمَلَ» در آن‌ها به کار رفته است.

۱- حوزه‌ی عبادات

۱-۱ زیارت خانه کعبه

کعبه، تجسم عرش خدا در زمین، دارای فضیلت و ارزشی بس والا و عظیم است و زیارت این مرکز جهانی عبادت، تجلی‌گاه وحدت و امنیت مسلمین است. در ادامه به ذکر روایتی در باب این واسطه‌ی آموزش و رحمت الهی پرداخته می‌شود: پیامبر ﷺ فرمود: «مَنْ جَاءَ يَوْماً الْبَيْتَ الْحَرَامَ فَرَكِبَ بَعِيرَهُ، فَمَا يَرْفَعُ الْبَعِيرَ خُفّاً، وَلَا يَضَعُ خُفّاً؛ إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا حَسَنَةً، وَحَطَّ عَنْهُ بِهَا خَطِيئَةٌ، وَرَفَعَ لَهُ بِهَا دَرَجَةً، حَتَّى إِذَا انْتَهَى



هشتمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم انسانی، مدیریت و کارآفرینی ایران

إِلَى الْبَيْتِ فَطَافَ ، وَطَافَ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ ، ثُمَّ حَلَقَ أَوْ قَصَرَ ؛ إِلَّا خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمِ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ ، وَ (قِيلَ لَهُ) فَهَلُمَّ اسْتَأْنِفِ الْعَمَلَ فَذَكَرَ الْحَدِيثَ. [۲۰] یعنی: (کسی که به قصد بیت الله الحرام بیاید، هنگامی که بر شترش سوار می‌شود، شترش هیچ قدمی بر نمی‌گذارد، مگر آنکه برای او یک حسنه نوشته می‌شود و یک گناه او پاک می‌شود و به وسیله آن ترفیع درجه پیدا می‌کند تا اینکه به کعبه برسد و طواف و سعی کند و حلق یا تقصیر نماید. در این حالت از گناهانش خارج می‌شود، مانند روزی که از مادر متولد شده است. پس آیه او خطاب می‌شود: بیا و عمل خود را از ابتدا آغاز کن.)

ارزیابی: مندری با تعبیر [لا يتطرق إليه احتمال التحسين] احتمال بر عدم صحت حدیث می‌دهد. [۲۱] إلبانی نیز این حدیث را ضعیف دانسته است. [۲۲] دمیاطی نیز به دلیل نادرست بودن سند حدیث، در صحت آن خدشه وارد کرده است. [۲۳]

۱-۲ طواف در باران

«طَوَّافٌ» در لغت به معنای راه رفتن به اطراف و دور چیزی است. [۲۴] در اصطلاح، به معنای هفت بار چرخیدن به دور کعبه، و یکی از اعمال واجب حج و عمره است. در این باره، در کتب روایی اهل تسنن، بانی به نام «فَضْلُ الطَّوَّافِ» دیده می‌شود. نیز مسائل فراوان در مورد احکام شرعی طواف، در این کتب موجود است. در روایتی در فضیلت طواف به نقل از داود بن عجلان آمده است: «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عُمَرَ الْعَدَنِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا دَاوُدُ بْنُ عَجْلَانَ... فَقَالَ: طُفْتُ مَعَ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ فِي مَطَرٍ، فَلَمَّا قَضَيْنَا الطَّوَّافَ، أَتَيْنَا الْمَقَامَ فَصَلَّيْنَا رَكَعَتَيْنِ. فَقَالَ لَنَا أَنَسٌ: اتَّيْنُفُوا الْعَمَلَ، فَقَدْ غُفِرَ لَكُمْ، هَكَذَا قَالَ لَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ...» [۲۵] یعنی: (محمد العدنی از داود بن عجلان نقل می‌کند: ...همراه با آنس بن مالک در باران طواف کردیم، زمانی که طوافمان تمام شد، به مقام آمدم و دو رکعت نماز خواندیم، پس آنس برایمان گفت: «عملتان را از سر بگیرید، (چرا که گناهانتان) برایتان بخشیده شده است.» پیامبر خدا ﷺ برایمان این چنین گفت...)»

ارزیابی: قیصرانی، روایان حدیث را موجب ضعف این حدیث دانسته، از جمله: داود بن عجلان. [۲۶] ابن عدی این حدیث را در شمار احادیث ضعیف بر می‌شمرد. [۲۷] ابن حجر عسقلانی نیز، این حدیث را با مقداری اختلاف در الفاظ نقل کرده و موضوع می‌داند. [۲۸]

۱-۳ نماز (در حین اشتغال و انجام کار)

نماز، نیایش عبد با معبود و پروردگار خویش است که به نشانه‌ی شکرگزاری و حمد و ستایش خالق، این ارتباط زیبا انجام می‌گیرد. در روایات مختلف، ارزش نماز به تصویر کشیده شده است. در روایتی، خواندن نماز، موجب آموزش گناهان دانسته شده است: «مَنْ صَلَّى وَهُوَ مُشْتَغَلٌ، نَادَاهُ مَلَكٌ يَا عَبْدَ اللَّهِ، اسْتَأْنِفِ الْعَمَلَ وَقَدْ غُفِرَ اللَّهُ مِنْ ذَنْبِكَ» یعنی: (هر کس نماز بخواند، در حالی که مشغول (انجام کار) باشد، فرشته‌ای او را ندا می‌دهد: عمل از سرگیر، خداوند گناهان گذشته‌ی تو را آمرزیده است.)

ارزیابی: شوکانی این حدیث را بدون ذکر راوی نقل کرده و با تعبیر «منکر» آن را ضعیف دانسته است. [۲۹]

۱-۴ روزه‌ی ماه رجب

"رجب" هفتمین ماه از ماه‌های قمری، ماهی بسیار شریف و از ماه‌های حرام است. در احادیث اهل تسنن، در فضیلت این ماه عظیم روایاتی یافت می‌شود. از جمله دعای رسول الله ﷺ با ورود به این ماه که می‌فرمود: «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي رَجَبٍ وَشَعْبَانَ، وَبَارِكْ لَنَا فِي رَمَضَانَ...» [۳۰] یعنی: (بارالها! ماه رجب و شعبان را برای ما مبارک گردانده و به سلامتی ما را به رمضان برسان). در همین باب، در فضیلت روزه‌ی این ماه آمده است: «أَنَّ خَالِدًا الزِّيَاتِ قَالَ: بَلَّغْنَا أَنَّ نَوْحًا رَكِبَ السَّفِينَةَ أَوَّلَ يَوْمٍ مِنْ رَجَبٍ وَقَالَ لِمَنْ مَعَهُ مِنَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ صُومُوا هَذَا الْيَوْمَ فَإِنَّهُ مِنْ صَامِ مَنْكُمْ بَعُدَتْ النَّارُ عَنْهُ مَسِيرَةَ سَنَةٍ، وَمَنْ صَامَ مِنْكُمْ سَبْعَةَ أَيَّامٍ غُلِّقَتْ عَنْهُ أَبْوَابُ النَّارِ السَّبْعَةُ، وَمَنْ صَامَ مِنْكُمْ ثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ فُتِحَتْ لَهُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ



هشتمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم انسانی، مدیریت و کارآفرینی ایران

الثمانیة، ومن صام منكم عشرة أيام قال الله له: سَلْ تُغَطَّهُ، ومن صام منكم خمسة عشر يوماً قال الله له: استأنفِ العملَ فقد غُفِرَ لك ما مضى، ومن زاد زادة الله» [۳۱] یعنی: (خالد بن زبّان از پیامبر ﷺ نقل می‌کند: روز اول ماه رجب بود که نوح سوار بر کشتی شد و دستور داد تا هر کس که به همراه او است آن روز را روزه بدارد و فرمود: هر کس آن روز را روزه بدارد، آتش دوزخ از او بفاصله یک سال راه پیمایی از او دور می‌شود و هر کس هفت روزش را روزه بدارد درهای هفتگانه‌ی آتش بر او بسته می‌شود و هر کس هشت روز روزه بدارد، درهای هشتگانه بهشت به روی او باز می‌شود و هر کس ده روز روزه بدارد، خداوند به او می‌فرماید: هر چه سؤال کند به او عطا می‌شود و هر کس پانزده روز روزه بدارد خداوند به او می‌فرماید: عمل از سر گیر؛ قطعاً بخشیده شد برای تو آنچه گذشته است، و هر کس زیادت‌ر روزه بدارد خدای عز و جل نیز زیادت‌ر عطا می‌فرماید.)

ارزیابی: ابن حجر عسقلانی، در تبیین العجب، این حدیث را ضعیف برشمرده است. [۳۲]
حدیث دیگری نیز در رابطه با فضیلت ماه رجب با مقداری تفاوت در الفاظ، در کتب اهل تسنن ذکر شده: «مَنْ صَامَ يَوْمًا مِنْ رَجَبٍ عَذَلَ صِيَامَ شَهْرٍ... وَمَنْ صَامَ مِنْهُ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ يَوْمًا نَادَى مَنْادٍ أَنْ قَدْ غُفِرَ لَكَ مَا مَضَى فَاسْتَأْنَفِ الْعَمَلَ.» [۳۳] یعنی: (فرمود: هر کس یک روز از ماه رجب را روزه بگیرد، مساوی است با روزه‌ی کل ماه... و هر کس پانزده روز روزه بگیرد، خداوند به او می‌فرماید: قطعاً بخشیده شد برای تو آنچه گذشته است، پس، عمل از سر گیر)

ارزیابی: این حدیث نیز، مورد تهاجم برخی از علمای حدیث اهل تسنن قرار گرفته است: ابن جوزی، [۳۴] شوکانی [۳۵] و ابن حجر عسقلانی. [۳۶]

ابن حجر میگوید: در مورد فضل و بزرگی ماه رجب و در مورد روزه اش به طور معین و در مورد قیام شبی مخصوص در آن ماه حدیث صحیحی که صلاحیت حجت و استدلال داشته باشد وارد نشده است، و قبل از من که قاطعانه این مطلب را بیان کرده ام، امام حافظ ابواسماعیل الهروی به این مطلب اشاره کرده و با اسناد صحیح از او روایت کرده ام، و از غیر او هم روایت کرده ام. [۳۷]

۱-۵ نماز ماه رجب

در رابطه با نماز این ماه پر فضیلت نیز، روایاتی موجود است: رسول الله ﷺ فرمود: «مَنْ صَلَّى لَيْلَةَ النِّصْفِ مِنْ رَجَبٍ: أَرْبَعُ عَشْرَةَ رَكْعَةً... يَأْتِيهِ مَلَكٌ فَيَضَعُ يَدَهُ بَيْنَ كَتِفَيْهِ فَيَقُولُ لَهُ: اسْتَأْنَفِ الْعَمَلَ فَقَدْ غُفِرَ لَكَ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ.» یعنی: (هر کس شب نیمه‌ی ماه رجب، چهارده رکعت نماز بخواند... فرشته‌ای نزد او می‌آید و دستش را میان دو شانه‌ی او می‌گذارد و به او می‌گوید: عملت را از سر بگیر (از نو آغاز کن)، که قطعاً بخشیده شده برای تو گناهان گذشته‌ات.)

ارزیابی: این حدیث در موضوعات ابن جوزی به عنوان حدیث موضوع ذکر شده، [۳۸] شوکانی ذیل این حدیث می‌نویسد: «رَوَاهُ الْجَوْزَقَانِيُّ عَنْ أَنَسٍ مَرْفُوعًا وَهُوَ مَوْضُوعٌ وَرَوَاهُ مَجَاهِيلٌ.» [۳۹] عسقلانی نیز این حدیث را باطل نامیده است. [۴۰] و سیوطی نیز ضمن مجهول دانستن روات این حدیث، آن را موضوع برمی‌شمرد: «مَوْضُوعٌ: رَوَاهُ مَجَاهِيلٌ» [۴۱]

۱-۶ ایمان به اسلام و خروج از جاهلیت

در باب ورود به دین اسلام، روایاتی در کتب اهل تسنن موجود است که به موجب آن، اعمال سوء و گناهان گذشته‌ی فرد و پیروی از سنت‌های جاهلیت (بت پرستی، زنده به گور کردن دختران و...) مشمول بخشش می‌گردد. پیامبر اکرم ﷺ خطاب به مردی که سنت‌های دوران جاهلیت را



هشتمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم انسانی، مدیریت و کارآفرینی ایران

برای ایشان تعریف می‌کرد، فرمود: «إِنَّ اللَّهَ قَدْ وَضَعَ عَنِ الْجَاهِلِيَّةِ مَا عَمِلُوا، فَاسْتَأْنَفَ عَمَلَكَ» [۴۲] یعنی: (در حقیقت، خداوند تخفیف داده است (لغو کرده) آنچه را که انجام دادند و عمل کردند در دوران جاهلیت، پس تو کار خود را از سرگیری از نو آغاز کن.) ارزیابی: دارمی، خود پس از ذکر حدیث، آن را روایتی مرسل می‌داند، به دلیل اینکه اسنادش غیر ثقه‌اند.

۲- حوزه‌ی اخلاقیات

در این بخش روایاتی ذکر می‌گردد که همگی در زیرمجموعه‌ی مصادیق اخلاقیات و فضائل و اعمال حسنه است:

۲-۱ اخلاق فردی

۲-۱-۱ صبر بر بیماری و گرفتاری‌ها

یکی از مواردی که اسباب آموزش انسان را فراهم می‌کند، ابتلائات و آزمایش‌های الهی است که همواره با سختی‌ها، گرفتاری‌ها و مصائبی روبه روست. همین سختی‌ها واسطه‌ی غفران و رحمت الهی است: «فهذا الحديث رواه الحاكم، والبيهقي، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه و آله و سلم-: «قَالَ اللَّهُ -تَبَارَكَ وَتَعَالَى-: إِذَا ابْتَلَيْتُ عَبْدِي الْمُؤْمِنَ، فَلَمْ يَشْكُنِي إِلَى عَوَادِهِ، أَطْلَقْتُهُ مِنْ أَسَارِي، ثُمَّ أَبْدَلْتُهُ لَحْمًا خَيْرًا مِنْ لَحْمِهِ، وَدَمًا خَيْرًا مِنْ دَمِهِ، ثُمَّ يَسْتَأْنَفُ الْعَمَلَ» [۴۳] یعنی: (پیامبر اکرم ﷺ فرمود: خداوند تبارک و تعالی فرموده است: «هرگاه بنده‌ی مؤمن مبتلا (به بیماری) شود، و هیچ شکایتی نزد عیادت کنندگانش نکند، او را از بند اسارت (گرفتاری) آزاد و رها کنم، سپس (جسم) او را تبدیل می‌کنم به گوشتی که بهتر از گوشت اوست و خونی که بهتر از خون اوست، سپس (به او گفته می‌شود) عمل را از سر بگیرد.)

ارزیابی: حدیث فوق، حدیث قدسی محسوب می‌شود که علمای اهل تسنن، هم چون: سیوطی [۴۴] و إلبانی، [۴۵] این حدیث را صحیح می‌دانند؛ منذری [۴۶] و عراقی [۴۷] نیز، به لحاظ سند، آن را مورد تأیید قرار داده‌اند.

۲-۲ اخلاق اجتماعی

۲-۲-۱ اخلاق شهروندی

۲-۲-۱-۱ شرکت در تشییع جنازه‌ی برادر دینی

یکی از خصائص نیک دین اسلام، توجه به امورات سایر افراد و شهروندان است، این توجه و عنایت، در قالب حقوق و اخلاق شهروندی می‌تواند یک جامعه‌ی همدل، واحد و امن را بوجود آورده و آن را به مهربانی و مهرورزی مزین کند. یکی از این حقوق حسنه و امور مستحب، شرکت در تشییع جنازه‌ی برادر دینی است که در ثواب آن آمده: «إِذَا سَمِعْتُمْ مَوْتَ مُؤْمِنٍ أَوْ مُؤْمِنَةٍ فَبَادِرُوا إِلَى الْجَنَّةِ فَإِنَّهُ إِذَا مَاتَ مُؤْمِنٌ أَوْ مُؤْمِنَةٌ أَمَرَ اللَّهُ جَبْرِيلَ أَنْ يُنَادِيَ فِي الْأَرْضِ رَحِمَ اللَّهُ مَنْ شَهِدَ جِنَازَةَ هَذَا الْعَبْدِ... فَإِذَا رَجَعَ إِلَى مَنْزِلِهِ نَادَى مُلْكٌ مِنَ تَحْتِ الْعَرْشِ يَا عَبْدَ اللَّهِ اسْتَأْنَفِ الْعَمَلَ فَقَدْ غُفِرَ لَكَ ذَنْبُ السَّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ...» یعنی: (هرگاه [خبر] مرگ مرد یا زن مؤمنی را شنیدید، به پیش تازید (شتاب کنید)، زیرا هرگاه مرد یا زن مؤمنی بمیرد، خداوند به جبرئیل دستور می‌دهد که ندا دهد: خداوند رحمت کند، کسی که جنازه‌ی این بنده را مشاهده (تشییع) کند... پس هرگاه به منزلش برگردد، فرشته‌ای از زیر عرش، او را صدا می‌کند: ای بنده‌ی خدا! عمل از سر گیر که گناه نهان و آشکارت بخشیده شده است...)

ارزیابی: ذهبی این روایت را روایتی باطل نامیده است. [۴۸] ابن عدی و قیسرانی به ترتیب با تعبیر «سعد بن طریف ضعیف جدا» و «سعد بن طریف لیس بشیء فی الحدیث» به دلیل وجود سعد بن طریف در سلسله‌ی سند، آن را در شمار احادیث ضعیف برمی‌شمارند. [۴۹]



هشتمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم انسانی، مدیریت و کارآفرینی ایران

۲-۱-۲-۲ عیادت از مریض

یکی دیگر از سنت‌های زیبای دین اسلام، عیادت و ملاقات بیمار است. نقل است که: ... فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «أَنْ الْمَرْءَ الْمُسْلِمَ إِذَا تَوَجَّهَ إِلَى أَخِيهِ الْمَرِيضِ... قَالَ: اكْتُبُوا لَهُ عِبَادَةَ أَلْفِ سَنَةٍ إِنْ غَاشَ لَمْ تُكْتَبْ عَلَيْهِ خَطِيئَةٌ وَاسْتَأْنَفَ الْعَمَلَ...» یعنی: (.. پیامبر خدا ﷺ فرمود: اگر مرد مسلمان، زمانی که به برادر بیمارش توجه و عنایت کند... [سپس خداوند به فرشتگانش می‌فرماید]: بنویسید برایش عبادت هزار سال، و اگر زندگی کرد بر او گناهی ننویسید، پس عمل خود را از سر گیر...)

ارزیابی: ابن جوزی، این حدیث را ذکر کرده و موضوع می‌داند. [۵۰] سیوطی نیز این حدیث را موضوع برمی‌شمرد و می‌نویسد: «مَوْضُوعُ وَالْمُتَّهَمُ بِهِ عِبَادَةٌ...» [۵۱]

ضمناً همین روایت را "ابویعلی الموصلی" باندکی اختلاف در عبارات، در مسند خویش - که در کنار مجموعه‌های بزرگ و معتبر حدیثی اهل تسنن، مانند صحاح سته و مسند احمد بن حنبل، اعتبار ویژه‌ای دارا است - ذکر می‌کند، اما در پایان، اسناد آن را ضعیف برمی‌شمرد. [۵۲] هیثمی هم مانند ابویعلی، سند این روایت را به دلیل وجود «عَبَادَ بِن كَثِير» ضعیف می‌داند. [۵۳]

۲-۲-۲-۲ اخلاق خانوادگی

۱-۲-۲-۲ شیر دادن فرزند

یکی از مفاهیم و آموزه‌های اساسی دین، نقش بی بدیل مادر، در تربیت فرزند و نسل است. در روایت زیر، اهمیت این نقش محوری از طریق شیر دادن به فرزند که مصداقی از مهربانی بی حدّ مادر به فرزند است، ترسیم شده است: رسول الله ﷺ فرمود: «...لَيْسَ مِنْ أُمْرَأَةٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ تَحْمِلُ مِنْ زَوْجِهَا إِلَّا كَانَ لَهَا كَأَجْرِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ الْمُحِبِّ فَإِذَا أَرْضَعَتْهُ كَانَ لَهَا بِكُلِّ رَضْعَةٍ عِتْقُ رَقَبَةٍ فَإِذَا فَطَمَتْهُ نَادَى مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَيَّتُهَا الْمَرْأَةُ اسْتَأْنِفِي الْعَمَلَ...» [۵۴] یعنی: (هیچ زن مسلمانی نیست که از همسرش حامله شود، مگر اینکه پاداش او چون کسی است که همواره روزه دار است و هرشب به قیام بگذراند و جزء خاشعین است، پس هرگاه شروع به شیر دادن فرزند کرد، همانند این است که کنیزی مؤمنه را در راه خدا آزاد کرده باشد و چون او فرزندش را از شیر بازگیرد، خدای متعال می‌فرماید: ای زن اعمال‌ت را از سر گیر...)

ارزیابی: این حدیث در کتب متعدد مورد حمله‌ی علمای اهل تسنن قرار گرفته است و جزء احادیث موضوع و ضعیف شمرده می‌شود: سیوطی ذیل این حدیث می‌گوید: «قَالَ الْمُؤَلِّفُ زِيَادُ كَذَّابٌ وَالصَّبَاحُ مُنْكَرُ الْحَدِيثِ» [۵۵] ابن جوزی این حدیث را موضوع می‌داند و بخصوص زیاد بن میمون را از قول یزید بن هارون، کذاب می‌داند. [۵۶] شوکانی، ضمن مرفوع دانستن روایت حدیث، آن را منکر دانسته و زیاد بن میمون را فردی کذاب معرفی می‌نماید. [۵۷] کنانی، نیز این حدیث را در تنزیه الشریعه، ضعیف برشمرده است. [۵۸]

۳-۲-۲ اخلاق اقتصادی

۱-۳-۲-۲ قرض به نیازمندان

قرض به نیازمندان، یکی دیگر از خصلت‌های خوب یک مسلمان است که در قرآن کریم به آن اشاره شده: «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً...» (بقره: ۲۴۵) یعنی: (کیست که به خدا «قرض الحسنه‌ای» دهد، (و از اموالی که خدا به او بخشیده، انفاق کند)، تا آن را برای او، چندین برابر کند؟) در روایات نیز، به آن تأکید شده است: پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «...مَنْ أَقْرَضَ مَلْهُوفاً فَأَحْسَنَ طَلَبَهُ



هشتمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم انسانی، مدیریت و کارآفرینی ایران

فَلْيَسْتَأْذِنِ الْعَمَلُ، وَلَهُ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى بِكُلِّ دِرْهَمٍ أَلْفُ قَنْطَارٍ فِي الْجَنَّةِ...» یعنی: هر کس به گرفتاری، قرض دهد و در بازپس گیری آن نیکو رفتار کند، اعمال خویش را از سرگیرد (که خداوند گذشته او را آمرزیده است) و خداوند در برابر هر درهم، هزار قنطار در بهشت به او عطا می کند. ارزیابی: این روایت نیز، در "الثالثی المصنوعه" سیوطی بعنوان حدیث موضوع ذکر شده است. [۵۹] حارث بن ابی اسامه، محدث عراقی اهل تستن نیز، ضمن ذکر کامل و طویل این روایت، در پایان آن را به لحاظ سند، و حضور فردی به نام دَاوُدُ بْنُ الْمُحَبَّرِ – که او را کذاب نامیده- جزء احادیث موضوع برمی شمرد. [۶۰]

ب- روایات دسته ی دوم:

در ادامه ی بحث، به ذکر روایاتی که به لحاظ مضمون و مفهوم، هم ردیف روایات دسته ی اول می باشد، پرداخته می شود:

۱- حوزه ی عبادات

۱-۱- روزه ی روز عرفه

«سئل رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم عن صوم يوم عرفه قال: يُكْفَرُ السَّنَةُ الْمَاضِيَةَ وَالْبَاقِيَةَ.» [۶۱] یعنی: از حضرت رسول الله ﷺ درباره ی روزه ی روز عرفه سؤال کردند، فرمودند: روزه ی روز عَرَفَه، کفاره ی گناهان یک سال قبل و یک سال بعد روزه گیرنده می گردد. «وعن سهل بن سعد رضی الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: من صام يوم عرفه غُفِرَ لَهُ ذَنْبُ سَنَتَيْنِ مُتَتَابِعَتَيْنِ. رواه أبو يعلى، ورجاله رجال الصحيح.» [۶۲] (سهل به سعد می گوید که حضرت رسول الله ﷺ فرمودند: هر کسی روز عَرَفَه را روزه گرفت، گناهان دو سال پیاپی او بخشیده می شود).

۱-۲- آمین گفتن (به تبعیت از امام جماعت)

«أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: إِذَا أَمَّنَ الْإِمَامُ فَأَمَّنُوا، فَإِنَّهُ مَنْ وَافَقَ تَأْمِينَهُ تَأْمِينِ الْمَلَائِكَةِ غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ.» [۶۳] یعنی: (پیامبر ﷺ فرمود: هنگامی که [در نماز جماعت] امام آمین گفت، شما نیز آمین بگویید. زیرا آمین هر کس که همزمان با آمین فرشتگان باشد، همه ی گناهان گذشته اش آمرزیده می شود).

۱-۳- وضو گرفتن

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: " مَنْ تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ الْوُضُوءَ، خَرَجَتْ خَطَايَاهُ مِنْ جَسَدِهِ، حَتَّى تَخْرُجَ مِنْ تَحْتِ أَظْفَارِهِ. » [۶۴] یعنی: (پیامبر اکرم ﷺ فرمود: هر کس به نحو احسن [وضو ی کاملی] بگیرد، گناهان وی از بدنش، حتی از زیر ناخن هایش خارج می شوند).

۱-۴- تلاوت قرآن

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ لَيْلًا أَوْ نَهَارًا، صَلَّتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ إِلَى اللَّيْلِ»، وَ قَالَ الْآخَرُ: غُفِرَ لَهُ. [۶۵] یعنی: هر کس قرآن را شبانه روز بخواند، فرشتگان بر او درود می فرستند تا شب، و در پایان فرمود: گناهانش بخشیده می شود).

۱-۵- اقامه ی شب قدر

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ يَقُمْ لَيْلَةَ الْقَدْرِ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ.» [۶۶] یعنی: (پیامبر ﷺ فرمود: هر کس از روی ایمان و برای رضای الهی، اقامه ی شب قدر کند (احیا کند)، خداوند، گناهان گذشته اش را ببامرزد).

۱-۶- روزه ی ماه رمضان

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ صَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ.» [۶۷] یعنی: (رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس از روی ایمان و برای رضای خداوند، در ماه رمضان روزه بگیرد، خداوند، گناهان گذشته ی او را می آمرزد).



هشتمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم انسانی، مدیریت و کارآفرینی ایران

۱-۷ قیام رمضان «تراویح»:

رسول اکرم ﷺ فرمود: «مَنْ قَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ» [۶۸] یعنی: هر کس براساس ایمان و با امید به اجر و پاداش آخرت شبهای رمضان عبادت نماید و نماز تراویح بخواند گناهان گذشته او آمرزیده می شود.

۱-۸ روزه روز دهم ماه محرم «عاشورا»

«وَحَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ يَحْيَى التَّمِيمِيُّ، وَقُتَيْبَةُ بْنُ سَعِيدٍ، جَمِيعًا عَنْ حَمَّادٍ، قَالَ يَحْيَى: أَخْبَرَنَا حَمَّادُ بْنُ زَيْدٍ، عَنْ غِيلَانَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُعْبِدٍ الرَّمَانِيِّ، عَنْ أَبِي قَتَادَةَ: عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: "... صِيَامُ يَوْمٍ عَرَفَةَ، أَحْتَسِبُ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُكَفِّرَ السَّنَةَ الَّتِي قَبْلَهُ، وَالسَّنَةَ الَّتِي بَعْدَهُ، وَصِيَامُ يَوْمٍ عَاشُورَاءَ، أَحْتَسِبُ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُكَفِّرَ السَّنَةَ الَّتِي قَبْلَهُ» [۶۹] یعنی: (روزه‌ی عاشورا «روز دهم ماه محرم» کفاره‌ی گناهان سال قبل از خود است).

گفتنی است که فقهای شیعه به استناد برخی از روایات ائمه‌ی اطهار (علیهم‌السلام) که با نهی از روزه‌ی روز عاشورا، آن را به تبعیت از دشمنان امام حسین (علیه‌السلام) می دانند، حکم به کراهت آن کرده اند. برخی از این روایات در کتاب الکافی مرحوم کلینی آمده است. [۷۰]

۱-۹ شرکت در نماز جمعه

«حَدَّثَنَا أُمَيَّةُ بْنُ بَسْطَامٍ، حَدَّثَنَا يَزِيدُ (يَعْنِي ابْنَ زُرَيْعٍ). حَدَّثَنَا رَوْحٌ عَنْ سُهَيْلٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ أَتَى الْجُمُعَةَ، فَصَلَّى مَا قُدِّرَ لَهُ. ثُمَّ انْصَتَ حَتَّى يَفْرَغَ مِنْ خُطْبَتِهِ. ثُمَّ يُصَلِّي مَعَهُ، غُفِرَ لَهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجُمُعَةِ الْأُخْرَى، وَفُضِّلَ ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ» [۷۱] یعنی: (هر کس جمعه غسل کند، سپس برای نماز جمعه بیاورد سپس به اندازه‌ای که برایش مقدر شده نماز بخواند سپس ساکت بنشیند تا امام از خطبه فارغ شود و سپس با آن نماز بخواند گناهان این جمعه تا آن جمعه‌ی دیگر و به اضافه سه روز دیگرش بخشیده می شود).

۱-۱۰ رفتن به مسجد

«عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ الْعَاصِي، يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ رَاحَ إِلَى مَسْجِدِ الْجَمَاعَةِ فَخَطَّوهُ تَمَحُّو سَيِّئَةً، وَخَطَّوهُ تُكْتَبَ لَهُ حَسَنَةٌ، ذَاهِبًا وَرَاجِعًا» [۷۲] یعنی: (هر کس شب برای حضور در نماز جماعت (مغرب و عشاء و صبح چون این ها نماز شب هستند) به مسجد برود هر گامی که بر می دارد گناهی از او پاک می شود و حسنه‌ای برای او نوشته می شود چه گام‌های رفتن به مسجد یا گام‌های برگشتن از مسجد).

۱-۱۱ ذکر خدا

از ابوهریره روایت شده که پیامبر ﷺ فرمود: «مَنْ قَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ فِي يَوْمٍ مِائَةِ مَرَّةٍ، حُطَّتْ خَطَايَاهُ وَإِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ» [۷۳] یعنی: (هر کس، روزانه صد بار سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ بگوید، گناهانش بخشیده می شوند، اگر چه به اندازه کف دریا باشند).

۱-۱۲ ترس از خدا

«حَدَّثَنَا حَسَنٌ، حَدَّثَنَا ابْنُ لَهْيَعَةَ، حَدَّثَنَا أَبُو عَاشَانَةَ، عَنْ عُقْبَةَ بْنِ غَامِرٍ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: "يَغْجِبُ رَبِّكَ مِنْ رَاعِي غَنَمٍ فِي رَأْسِ الشَّطِئَةِ لِلْجَبَلِ يُؤَدِّنُ بِالصَّلَاةِ وَيُصَلِّي، فَيَقُولُ اللَّهُ: انْظُرُوا إِلَى عَبْدِي هَذَا، يُؤَدِّنُ وَيُقِيمُ، يَخَافُ شَيْئًا؟ قَدْ غَفَرْتُ لَهُ وَأَدْخَلْتُهُ الْجَنَّةَ" [۷۴] یعنی: (پیامبر ﷺ فرمود: خداوند از چوپانی که بر قله‌ی کوه گوسفند می‌چراند و به هنگام نماز اذان می‌گوید و نماز می‌خواند در شگفت است و می‌فرماید: به این بنده‌ی من بنگرید. اذان گفته و نماز می‌خواند و از من خوف دارد؛ به حق او را بخشیدم و داخل بهشت نمودم).



هشتمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم انسانی، مدیریت و کارآفرینی ایران

۱-۱۳ امر به معروف و نهی از منکر

«حَدَّثَنَا عُمَرُ بْنُ حَفْصٍ بْنُ غِيَاثٍ، حَدَّثَنَا أَبِي، حَدَّثَنَا الْأَعْمَشُ، حَدَّثَنَا شَقِيقٌ، سَمِعْتُ حَذِيفَةَ يَقُولُ: ... قَالَ: فِتْنَةُ الرَّجُلِ فِي أَهْلِهِ، وَ مَالِهِ، وَ وَلَدِهِ، وَ جَارِهِ، تُكْفَرُهَا الصَّلَاةُ وَ الصَّدَقَةُ، وَ الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ، وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ...» [۷۵] یعنی: (پیامبر ﷺ می فرماید: نماز و روزه و امر به معروف و نهی از منکر کفاره و محو کننده بلاها و گناهانی است که آدمی در ارتباط با خانواده و مال و فرزندان و همسایه اش مرتکب می شود).

۱-۱۴ عبادت نیمه‌ی شعبان

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ: «إِذَا كَانَتْ لَيْلَةُ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ، فَقُومُوا لَيْلَهَا وَ صُومُوا نَهَارَهَا، فَإِنَّ اللَّهَ يَنْزِلُ فِيهَا لِعُرُوبِ الشَّمْسِ إِلَى سَمَاءِ الدُّنْيَا، فَيَقُولُ: أَلَا مِنْ مُسْتَغْفِرٍ لِي فَأَغْفِرَ لَهُ! أَلَا مُسْتَرْزِقٌ فَأَرْزُقَهُ! أَلَا مُبْتَلَى فَأُغَاثِيَهُ! أَلَا كَذَّاءٌ أَلَا كَذَّاءٌ، حَتَّى يَطْلُعَ الْفَجْرُ» [۷۶] یعنی: (پیامبر ﷺ فرمود: هر گاه شب نیمه‌ی شعبان رسید، آن شب را به عبادت بگذرانید و روزه را بگیرد. زیرا از غروب آفتاب آن شب، خداوند به آسمان فرود می آید و تا سپیده دم می گوید: آیا آمرزش خواهی هست تا او را بیامرزیم؟ آیا روزی خواهی هست تا به او روزی بدهم؟ آیا درمانده ای هست که به او عافیت و سلامتی ببخشم؟)

۲- حوزه‌ی رسالت و خاندان پیامبر ﷺ

۲-۱ صلوات بر پیامبر ﷺ

«... مَالِكٌ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ: «مَنْ صَلَّى عَلَى صَلَاةٍ وَاحِدَةٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ عَشْرَ صَلَوَاتٍ، وَ حُطَّتْ عَنْهُ عَشْرُ خَطِيئَاتٍ، وَ رُفِعَتْ لَهُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ» [۷۷] یعنی: (رسول اکرم ﷺ می فرماید: کسی که یک صلوات بر من بفرستد خداوند ده صلوات بر او می فرستد. و ده گناه او را محو و ده درجه وی را رفیع و بلند می گرداند).

۲-۲ شهادت به وحدانیت خدا و نبوت پیامبر ﷺ

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «مَنْ قَالَ حِينَ يَسْمَعُ الْمُؤَذِّنَ: وَ أَنَا أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا، وَ بِالْإِسْلَامِ دِينًا، وَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا- غُفِرَ لَهُ ذَنْبُهُ» [۷۸] یعنی: (هر کس موقعی که اذان را می شنود بگوید: گواهی می دهم که خدایی جز خدای یگانه نیست، و گواهی می دهم که محمد ﷺ بنده و پیامبرش است، راضی ام به رضای پروردگار، و به دین اسلام و به پیامبر نبی او، گناهش بخشیده می شود).

۲-۳ دوستی و محبت حضرت محمد ﷺ و آل پاکش ﷺ

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ: «مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيدًا أَلَا وَ مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ مَغْفُورًا لَهُ...» [۷۹] یعنی: (هر کس بر دوستی آل محمد بمیرد، شهید از دنیا رفته. هر کس بر دوستی آل محمد بمیرد، آمرزیده و بخشیده از دنیا رفته...)

این حدیث در میان علمای اهل تسنن دو دیدگاه دارد: الف- دیدگاه موافقین همچون (ثعلبی، زمخشری، قرطبی و ...) که در تفاسیر خود ذیل آیه‌ی مودت (۲۳ شوری) این حدیث را نقل کرده اند.

ب- دیدگاه مخالفین حدیث همچون (البانی [۸۰]، ابن حجر عسقلانی [۸۱] و...) که حدیث را موضوع و باطل می دانند.

در حدیث دیگری، دوستی و محبت امیرالمؤمنین امام علی (علیه السلام) بعنوان محو کننده و نابودکننده‌ی گناهان دانسته شده است: «عن ابن عباس: قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ يَأْكُلُ الذَّنْبَ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْخَطِيئَةَ» [۸۲] (از ابن عباس نقل شده که رسول اکرم ﷺ فرمود: دوستی علی بن ابی طالب (علیه السلام) گناهان را می خورد، چنانچه آتش، هیزم را).

گرچه احادیث معتبر در کتب مشهور اهل تسنن در مورد فضیلت امام علی (علیه السلام) یافت می شود و امری غیر قابل انکار است، لیکن حدیث فوق نیز، مورد هجمه‌ی علمای اهل تسنن قرار گرفته و حکم به بطلان، ضعف و موضوعیت حدیث داده اند. [۸۳]



هشتمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم انسانی، مدیریت و کارآفرینی ایران

۳- حوزه‌ی اخلاقیات

۳-۱ اخلاق فردی

۳-۱-۱ شکر بر روزی و نعمات

رسول الله ﷺ فرمود: «مَنْ أَكَلَ طَعَامًا فَقَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَنِي هَذَا وَرَزَقَنِيهِ مِنْ غَيْرِ حَوْلٍ مِنِّي وَلَا قُوَّةَ، غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ» یعنی: (هرکس غذا بخورد، و [این ذکر را] بگوید: حمد و سپاس مخصوص خدایی است که به من این اطعام را داد، و آن را بدون توان و جنبش من، رزق و روزی‌ام گردانید، گناهان گذشته‌اش بخشیده می‌شود). [۸۴]

۳-۲ اخلاق اجتماعی

۳-۲-۱ اخلاق شهروندی

۳-۲-۱-۱ نیکی و خوش رفتاری با مردم

أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَهُ: اتَّقِ اللَّهَ حَيْثُمَا كُنْتَ، وَاتَّبِعِ السَّيِّئَةَ الْحَسَنَةَ تَمَحُّهَا، وَخَالِقِ النَّاسَ بِخُلُقٍ حَسَنٍ. [۸۵] یعنی: (رسول الله ﷺ فرمود: هر جا باشی از خدا بترس. بعد از بدی، خوبی کن تا خوبیها بدیها را محو و نابود کند و با مردم، خوش رفتار باش).

۳-۲-۱-۲ رفع گرفتاری و خدمت به مردم

پیامبر ﷺ فرمود: «بَيْنَمَا رَجُلٌ يَمْشِي بِطَرِيقٍ، وَجَدَ غُصْنَ شَوْكٍ عَلَى الطَّرِيقِ، فَأَخْرَجَهُ. فَشَكَرَ اللَّهَ لَهُ. فَغُفِرَ لَهُ». [۸۶] یعنی: (مردی که در راه می‌رفت، برگ خاری را بر سر راه یافت، آن را کنار زد و شکر خدای بجا آورد. خداوند بخاطر همین کار او را آمرزید).

۳-۲-۱-۳ مصافحه

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «مَا مِنْ مُسْلِمَيْنِ يَلْتَقِيَانِ، فَيَتَصَافَحَانِ، إِلَّا غُفِرَ لَهُمَا، قَبْلَ أَنْ يَتَفَرَّقَا» یعنی: (پیامبر اکرم ﷺ فرمود: هرگاه دو نفر مسلمان یکدیگر را ملاقات کنند، سپس با هم مصافحه کنند، قبل از اینکه از یکدیگر جدا شوند، برای هر دو نفر آنها گناهان‌شان بخشیده می‌شود). [۸۷]

۳-۲-۲ اخلاق خانوادگی

۳-۲-۲-۱ خدمت به والدین

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «...وَمَنْ أَذْرَكَ أَخَذَ وَالِدَيْهِ، ثُمَّ لَمْ يُغْفَرْ لَهُ، فَأَعَدَّ اللَّهُ لَهُ...» [۸۸] یعنی: (...هرکس پدر و مادر یا یکی از آنها را درک نماید (و) رضایت آنها را جلب نکرده و دعاگوی خویش قرار ندهد) و سپس آمرزیده نشود خدا او را [از رحمت خود] دور ساخته است... (دور از رحمت خدا باد)).

به نظر می‌رسد این حدیث را به دو طریق می‌توان تبیین کرد: اولاً: کسی که به والدینش خدمت کند، به دور از رحمت الهی است که او را نبخشد. ثانیاً: ظاهر این حدیث، هشدار و بیم دادن است؛ اما باطن آن بشارت است، چرا که کسی که فرصت خدمت به پدر و مادر و نیز کسب رضایت آنان را از دست بدهد، مشمول آمرزش الهی نشده و از رحمت خداوند دور می‌گردد.

در روایت مشابه دیگری نیز، پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُمَدَّ لَهُ فِي عُمْرِهِ... فَلْيَبْرَ وَالِدَيْهِ، وَلْيَصِلْ رَحِمَهُ» [۸۹] یعنی: (هر کس دوست دارد که عمرش طولانی شود... پس به پدر و مادرش نیکی کند، و به رحمت [و مغفرت] پروردگارش دست یابد).

۳-۲-۳ اخلاق زیست محیطی (اخلاق زیستی)

۳-۲-۳-۱ خدمت به حیوانات

«حَدَّثَنَا قُتَيْبَةُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ أَنَسٍ، فِيمَا قُرِئَ عَلَيْهِ، عَنْ سُمَيِّ مَوْلَى أَبِي بَكْرٍ، عَنْ أَبِي صَالِحٍ السَّمَّانِ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ؛ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «بَيْنَمَا رَجُلٌ يَمْشِي بِطَرِيقٍ، اشْتَدَّ عَلَيْهِ الْعَطَشُ. فَوَجَدَ بِئْرًا فَنَزَلَ فِيهَا فَشَرِبَ. ثُمَّ خَرَجَ. فَإِذَا كَلْبٌ يَلْهَثُ يَأْكُلُ الثَّرَى مِنَ الْعَطَشِ. فَقَالَ الرَّجُلُ: لَقَدْ بَلَغَ هَذَا الْكَلْبُ مِنَ الْعَطَشِ مِثْلَ الَّذِي كَانَ بَلَغَ مِنِّي. فَنَزَلَ الْبُئْرَ فَمَلَأَ خُفَّهُ مَاءً ثُمَّ أَمْسَكَهُ بِيَدِهِ حَتَّى رَقِيَ. فَسَقَى الْكَلْبَ. فَشَكَرَ اللَّهَ لَهُ. فَغُفِرَ لَهُ» قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَإِنْ لَنَا فِي هَذِهِ الْبَهَائِمِ لَأَجْرٌ! فَقَالَ «فِي كُلِّ كَبِدٍ رَطْبَةٌ أَجْرٌ». [۹۰] یعنی: (یک روز مردی راهی را طی می‌کرد. در راه تشنگی بر او چیره شد و سپس چاه آبی را در راه یافت، وارد آن شد و از آب نوشید و از چاه بیرون آمد. سپس سگی را دید که از فرط تشنگی زبان بر خاک می‌مالید. آن مرد گفت این سگ به همان تشنگی من دچار گشته. وارد چاه شد و پاپوش خود را پر از آب کرد



هشتمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم انسانی، مدیریت و کارآفرینی ایران

و آن را به دهان گرفت و از چاه بیرون آمد و آب را به سگ داد و سپس شکر خدای را بجا آورد، بخاطر همین کار نیک گناهانش آمرزیده شد. به پیامبر ﷺ عرض کردند: ای رسول خدا! آیا در رابطه با این حیوانات نیز اجر داریم؟ پیامبر ﷺ فرمود: در ترحم به هر حیوانی که جگر دارد، اجر و پاداش وجود دارد.

۳-۲-۴ اخلاق اقتصادی

۳-۲-۴-۱ صدقه دادن

«حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي زِيَادٍ، حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى، حَدَّثَنَا غَالِبُ أَبُو بَشْرٍ، عَنْ أَيُّوبَ بْنِ غَائِذٍ الطَّائِي، عَنْ قَيْسِ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ طَارِقِ بْنِ شِهَابٍ، عَنْ كَعْبِ بْنِ عُجْرَةَ، قَالَ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: الصَّدَقَةُ تُطْفِئُ الْخَطِيئَةَ كَمَا يُطْفِئُ الْمَاءُ النَّارَ. [۹۱] یعنی: (صدقه، آتش گناهان را خاموش می کند، چنانکه آب، آتش را فرو می نشاند).

۳-۲-۵ اخلاق سیاسی

۳-۲-۵-۱ شهادت در راه خدا

«أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «يُغْفَرُ لِلشَّهِيدِ كُلُّ ذَنْبٍ، إِلَّا الذَّنْبَ». [۹۲] یعنی: (رسول اکرم ﷺ می فرماید: همه ی گناهان کسی که در راه خدا شهید می شود، بجز بدهی و قرض آمرزیده می شود). در روایت دیگری، آمده است: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّ لِلشَّهِيدِ عِنْدَ اللَّهِ غَرْ وَجَلَّ - قَالَ الْحَكَمُ: سِتَّ خِصَالٍ - أَنْ يُغْفَرَ لَهُ فِي أَوَّلِ دَفْعَةٍ مِنْ دِمِهِ...» [۹۳] یعنی: (برای شهید شش خصلت نزد خداوند عزوجل می باشد: اول: با (ریختن) اولین قطره از خونس تمام گناهان او بخشیده می شود...).

نتیجه گیری

مصادیق روایات «إِسْتَأْنِفِ الْعَمَلُ» در منابع اهل تسنن، در ۲ حوزه ی توحید و اخلاق مورد بررسی قرار گرفت که جمعاً ۱۳ روایت با این تعبیر یافت شد. گرچه علمای حدیث و رجالی اهل تسنن، حکم برضعف برخی از این روایات داده و در برخی موارد، با حضور دیدگاه های موافق و مخالف در این میان، نوعی از تشکیک آراء دیده می شود، لیکن، مسئله ی آموزش گناهان، با نقل قابل توجهی از احادیث صحیح و مشابه روایات «إِسْتَأْنِفِ الْعَمَلُ» - که در روایات دسته ی دوم، به آن اشاره شد - امری قابل قبول و مورد اجماع علمای اهل تسنن می باشد؛ بنابراین، به استناد وجود همین مصادیق، طرح شبهات غیر علمی و متعصبانه نظیر (إباحه گری و شرک) که پیرامون این روایات به شیعه نسبت داده می شود، شیعه را از این چنین اتهاماتی مبرا می کند. ضمناً در میان روایات "ازسرگیری عمل" محبت و مودت به خاندان عترت (علیه السلام) - به عنوان نقطه ی اساسی آموزش و غفران الهی در کنار دو حوزه ی توحید و اخلاق - با خدشه دار کردن این احادیث از سوی برخی منابع اهل تسنن، مورد بی مهری و غفلت واقع شده و ثمره ی آن عدم بهره ی حقیقی تابعین و پیروان آنان از این منبع فیض و رحمت و غفران الهی است.

مراجع

- ۱- رک: قطب، سید ابراهیم، فی ظلال القرآن، بیروت: دار الشروق، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۸۵۴
- ۲- رک: فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۲۴۱
- ۳- آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۶۳
- ۴- رک: مکارم شیرازی، ناصر، و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیة، تهران ۱۳۷۱ش، ج ۷، ص ۳۸۷
- ۵- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۴ش، ج ۱، ص ۲۱۶
- ۶- طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵ش، ج ۵، ص ۲۸
- ۷- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، بیروت: دارالعلم الملايين، ج ۱، بی تا، ج ۴، ص ۱۳۳۲
- ۸- رک: بستانی، فؤاد افرام، فرهنگ ابجدی، تهران: اسلامی، ۱۳۷۵ش، ص ۱۵۱
- ۹- اسماعیل صینی، محمود، المکنز العربی المعاصر، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون، بی تا، ص ۷



هشتمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم انسانی، مدیریت و کارآفرینی ایران

- ۱۰- رک: حیدری، محمد، معجم الأفعال المتداولة، قم: المركز العالمي للدراسات الاسلامی، ۱۳۸۱ش، ص ۳۲
- ۱۱- جعفرزاده، جعفر، جعفری هرندي، محمد، فرحزادی، رحمت، مبانی فقهی تجدیدنظرخواهی رأی قضات، نشریه پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، پاییز ۹۷، ش ۵۳، ص ۶۶-۵۵، ص ۵۷
- ۱۲- عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳ش ص ۱۸۳
- ۱۳- رک: تهاوی، محمد علی، کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، لبنان: مکتبه لبنان ناشرون، بی تا، ج ۱، ص ۱۷۴
- ۱۴- ابن هشام، عبدالله بن یوسف، ج ۲، ص ۱۷، مغنی اللیب عن کتب الأعاریب، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۸ق
- ۱۵- راغب اصفهانی، همان، ج ۲، ص ۴۰۴
- ۱۶- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارصادر، بی تا ج ۹، ص ۲۹۴
- ۱۷- قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش، ج ۵، ص ۱۰۷
- ۱۸- راغب اصفهانی، همان، ج ۴، ص ۲۰۸
- ۱۹- فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، قم: مؤسسه دارالهجره، بی تا، ج ۲، ص ۵۳۵
- ۲۰- سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن، جامع الأحادیث، تحقیق و نگارش: علی جمعه، بی جا، بی تا، ج ۲۰، ص ۲۱۵
- ۲۱- منذری، زکی الدین عبدالعظیم، الترغیب والترهیب، قاهره: دار الفجر للتراث، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۱۶۸
- ۲۲- إلبانی، محمد ناصر الدین، ضعیف الترغیب والترهیب، ریاض: المعارف، چ اول: ۱۴۲۱ق، ص ۶۹۰
- ۲۳- دمیاطی، عبدالمؤمن بن خلف، المتجر الرابع فی ثواب العمل الصالح، بی جا، بی تا، ۱۴۰۳ق، ص ۱۴۵
- ۲۴- راغب اصفهانی، همان، ج ۲، ص ۵۱۵
- ۲۵- ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، بیروت: دار الجیل، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۵۴۹
- ۲۶- قیسرانی، محمد بن طاهر المقدسی، ذخیره الحفاظ، بی جا، دار السلف، بی تا، ج ۳، ص ۱۵۵۹
- ۲۷- ابن عدی، عبدالله بن أحمد، الکامل فی ضعفاء الرجال، بی جا، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۵۶۲
- ۲۸- عسقلانی، أحمد بن علی بن حجر، تهذیب التهذیب، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۱۹۳
- ۲۹- شوکانی، محمد بن علی، الفوائد المجموعه، بی جا، بی تا، ۱۳۸۰ق، ص ۳۲۸
- ۳۰- ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند الامام احمد بن حنبل، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۱۸۰
- ۳۱- شافعی، ابوالقاسم علی بن حسن (ابن عساکر)، تاریخ دمشق، بی جا، دارالفکر، بی تا، ج ۶۲، ص ۲۶۴
- ۳۲- عسقلانی، أحمد بن علی بن حجر، تبیین العجب بما ورد فی فضل شهر رجب، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۸ق، ص ۳۹
- ۳۳- سیوطی، همان، ج ۲۰، ص ۴۷۳ و خطیب بغدادی، أبو بکر أحمد بن علی، تاریخ بغداد، محقق: دکتر بشار عواد معروف، بیروت: دارالغرب الإسلامی، ۱۴۲۲ق، ج ۹، ص ۲۸۲
- ۳۴- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، متعدد الموضوعات من الأحادیث المرفوعات، بی جا، أضواء السلف، ق، ج ۲، ص ۵۷۹
- ۳۵- شوکانی، محمد بن علی، الفتح الربانی، صنعاء: مکتبه الجیل الجدید، ۱۴۲۳ق، ج ۶، ص ۳۲۱۰
- ۳۶- عسقلانی، أحمد بن علی بن حجر، تبیین العجب، ص ۴۰



هشتمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم انسانی، مدیریت و کارآفرینی ایران

- ۳۷- رک: همان، ص ۶
- ۳۸- ابن جوزی، همان، ج ۲، ص ۴۳۹
- ۳۹- شوکانی، محمد بن علی، الفتح الربانی، ج ۱، ص ۵۰
- ۴۰- عسقلانی، أحمد بن علی بن حجر، تبیین العجب، ص ۳۷
- ۴۱- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، اللآلئ المصنوعة فی الأحادیث الموضوعه، بیروت: دارالمعرفه، بی تا، ج ۲، ص ۴۹
- ۴۲- دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن، مسند(سنن) الدارمی، ریاض: دار المغنی، ۱۴۲۱ ق، ج ۱، ص ۱۵۳ و ۱۵۴
- ۴۳- حاکم نیشابوری، ابی عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، بیروت: دار المعرفة، بی تا، ج ۱، ص ۳۴۹
- ۴۴- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، الجامع الصغیر، بیروت: دار الکتب العلمیه، بی تا، ص ۶۰۴۳
- ۴۵- إلبانی، محمد ناصر الدین، صحیح الجامع الصغیر و زیادته، بیروت: المکتب الإسلامی، ص ۴۳۰۱
- ۴۶- منذری، زکی الدین عبدالعظیم، همان، ج ۴، ص ۲۳۰
- ۴۷- عراقی، عبدالرحیم بن الحسین، تخریج الأحياء، بی جا، دار صادر، ۲۰۰۰ م، ج ۲، ص ۲۶۲
- ۴۸- ذهبی، محمد بن أحمد بن عثمان، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، بیروت: دار المعرفة، ج ۲، ص ۱۲۴
- ۴۹- ابن عدی، عبدالله بن أحمد، الكامل فی ضعفاء الرجال، بی جا، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ ق، ج ۴، ص ۳۸۶ - قیسرانی، همان، ج ۱، ص ۳۳۰
- ۵۰- ابن جوزی، همان، ج ۳، ص ۲۰۶ و ۲۰۷
- ۵۱- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، اللآلئ المصنوعة فی الأحادیث الموضوعه، ج ۲، ص ۳۳۷
- ۵۲- الموصلی، أبو یعلی أحمد بن علی بن المثنی، دمشق: دار المأمون للتراث، ۱۴۰۴ ق، ج ۶، ص ۱۵۰
- ۵۳- هیثمی، علی بن أبی بکر، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، بی جا، مؤسسه المعارف، ۱۴۰۶ ق، ج ۲، ص ۲۹۸
- ۵۴- خطیب بغدادی، أبو بکر أحمد، تاریخ بغداد(ت- بشار)، بیروت: دار الغرب الإسلامی، ۱۴۲۲ ق، ج ۱۰، ص ۴۶۰
- ۵۵- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، همان، ج ۲، ص ۱۴۴
- ۵۶- ابن جوزی، همان، ج ۲، ص ۲۷۱
- ۵۷- شوکانی، محمد بن علی، الفوائد المجموعه، ج ۱، ص ۱۲۷
- ۵۸- کنانی، نور الدین علی، تنزیه الشریعه المرفوعه عن الأخبار الشنیعه الموضوعه، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۳۹۹ ق، ج ۲، ص ۲۰۳
- ۵۹- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، اللآلئ المصنوعة فی الأحادیث الموضوعه، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷ ق، ج ۲، ص ۳۰۸-۳۰۲
- ۶۰- حارث بن أبی أسامه، بغیه الباحث عن زوائد مسند الحارث، مدینه: مرکز خدمه السنه والسیرة النبویه، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۳۰۹
- ۶۱- سلمی نیشابوری، أبو بکر محمد بن إسحاق بن خزیمه، صحیح ابن خزیمه، بی جا، المکتب الإسلامی، ۱۴۲۴ ق، ج ۲، ص ۷۵۹
- ۶۲- طبرانی، ابوالقاسم، المعجم الكبير، قاهره: دار النشر مکتبه ابن تیمیة، بی تا، ج ۶، ص ۳
- ۶۳- مالک بن انس، موطأ الإمام مالک، ابوظبی: مؤسسه زاید بن سلطان آل نهیان للأعمال الخیریه و الإنسانیة، ۱۴۲۵ ق، ج ۲، ص ۱۱۹
- ۶۴- ابن حنبل، احمد بن محمد، همان، ج ۱، ص ۵۱۶
- ۶۵- دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن، همان، ج ۴، ص ۲۱۸۲



هشتمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم انسانی، مدیریت و کارآفرینی ایران

- ۶۶- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، قاهره: المجلس الاعلى للشئون الاسلامیة، لجنة إحياء كتب، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۳۷
- ۶۷- همان
- ۶۸- همان
- ۶۹- قشیری نیشابوری، مسلم، المسند الصحيح المختصر، محقق: محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا، ج ۲، ص ۸۱۸
- ۷۰- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - اسلامیة)، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق، ج ۴، ص ۱۴۶ و ۱۴۷
- ۷۱- قشیری نیشابوری، مسلم، صحیح مسلم، قاهره: دار الحديث، ج اول: ۱۴۱۲ ق، ج ۲؛ ص ۵۸۷
- ۷۲- ابن حبان، محمد بن حبان، صحیح ابن حبان، گردآورنده: علی بن بلبان فارسی، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۱۴ ق، ص ۲۰۳۹
- ۷۳- مالک بن انس، موطأ الإمام مالک، ابوظبی: مؤسسه زاید بن سلطان آل نهیان للأعمال الخيرية و الإنسانية، ج اول: ۱۴۲۵ ق، ج ۱، ص ۱۷۰
- ۷۴- ابن حنبل، احمد بن محمد، همان، ج ۲۸، ص ۶۴۹
- ۷۵- بخاری، محمد بن اسماعیل، همان، ج ۱۱، ص ۲۲
- ۷۶- ابن ماجه قزوینی، أبی عبدالله محمد بن یزید، همان، ج ۲، ص ۵۰۷
- ۷۷- نسائی، احمد بن علی، السنن الکبری، بیروت، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۱ ق، ج ۹، ص ۱۴۲
- ۷۸- ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید، همان، ج ۲، ص ۴۸
- ۷۹- ثعلبی، احمد بن محمد، الكشف و البیان، محقق: ابن عاشور، ابی محمد، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق، ج ۸، ص ۳۱۴ و زمخشری، محمود بن عمر، الكشف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دار الكتاب العربی، ۱۴۰۷ ق، ج ۴، ص ۲۲۰ و ۲۲۱
- ۸۰- البانی، محمد ناصر الدین، السلسلۃ الضعیفۃ، ریاض: دار المعارف، ج اول: بی تا، ص ۴۹۲۰ ص ۴۹۲۰
- ۸۱- عسقلانی، أحمد بن علی بن حجر، الکافی الشاف، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۱۸ ق، ص ۲۴۸
- ۸۲- دیلمی همدانی، شیرویه بن فناخسرو أبو شجاع، الفردوس بمأثور الخطاب، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۶ ق، ج ۲، ص ۱۴۲
- ۸۳- خطیب بغدادی: (تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۱۹۴)؛ ابن جوزی: (الموضوعات، ج ۲، ص ۱۴۱)؛ البانی: (السلسله الضعیفه، ص ۱۲۰۶)
- ۸۴- ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید، همان، ج ۵، ص ۲۵ و ۲۶
- ۸۵- ابن حنبل، احمد بن محمد، همان، ج ۳۵، ص ۲۸۴
- ۸۶- قشیری نیشابوری، مسلم، همان، ج ۴، ص ۲۰۲۱
- ۸۷- ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید، همان، ج ۵، ص ۲۷۷ و ۲۷۸
- ۸۸- ابن حنبل، احمد بن محمد، همان، ج ۳۱، ص ۳۷۵
- ۸۹- همان، ج ۲۱، ص ۹۳
- ۹۰- قشیری نیشابوری، مسلم، همان، ج ۴، ص ۱۷۶۱
- ۹۱- ترمذی، محمد بن عیسی، الجامع الصحیح و هو سنن الترمذی، قاهره: دار الحديث، ۱۴۱۹ ق، ج ۲، ص ۳۹۳
- ۹۲- قشیری نیشابوری، مسلم، همان، ج ۳، ص ۱۵۰۲
- ۹۳- ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ۲۸، ص ۴۱۹